

مزرعه حیوانات

قصہ پریان

نوشتہ جورج اورول

ترجمہ صالح حسینی، معصومہ نبیزادہ



انتشارات دوستان

مُجَهِّزٍ لِّطَلَائِيْرٍ صَاحِبِ الْجَلَلِ نَالَ عَنْ دُنْدُونِ الْمَلَائِكَةِ كَسْتِيلَنْجِيَهِ رِيحَيَهِ
شَهْرَانِ بَارِيَهِ مِنْهُ فَكَانَ يَقْتَصِرُ بِعَصْمَهِ فِي مَكَانِيْرِ تَشَاهِلِهِ. كَيْ أَهْيَهُ طَهَ لِغَارِيَهِ
وَهَذِهِ بِعَصْمَهِ لَهَا وَهَذِهِ بِعَصْمَهِ لَهَا وَهَذِهِ بِعَصْمَهِ لَهَا وَهَذِهِ بِعَصْمَهِ لَهَا
خَنِيَهِ بَلَادِيَهِ مِنْ لَهَيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ كَمِيلِهِنْ كَلِيلِهِنْ لَهَيَهِ مَلَادِيَهِ
بَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ مَلَادِيَهِ
فصل اول

شب که شد آقای جونز، صاحب مزرعه اربابی^۱، در مرغداری را قفل کرده بود، منتهای از فرط مستی یادش رفته بود روزنه های بالای آن را بینند. در حلقة روشنایی فانوسش که این سو و آن سو تاب می خورد، تلو تلو خوران از حیاط گذشت. به در عقب که رسید، چکمه اش را با شلنگه از پا درآورد و آخرین گیلاس آبجو را از بشکه ظرفشوخانه پر کرد و راهش را کشید به تختخواب رفت. خانم جونز، تا بگویی چه، صدای خروپفش بلند شده بود.

همین که چراغ اتاق خواب خاموش شد، جنب و جوشی سرتاسر مزرعه را فرا گرفت. آن روز دهن به دهن گشته بود که میجر پیر، گراز سفیدیال صاحب مدار^۲، شب پیش خواب

۱. با توجه به house (خانه اربابی)، manor Farm را «مزرعه اربابی» ترجمه کردیم.

۲. به جای Prize Middle White boar. دو کلمه وسط، یعنی Middle White را

عجیبی دیده است و می‌خواهد نقل آن را برای حیوانات دیگر بگوید. بنا بر این گذاشتند که به محض خلاص شدن از شر آقای جونز، همگی در طوله بزرگ جمع شوند. میجر پیر (که همیشه به این اسم نامیده می‌شد متنها با نام «زیبای ولینگدون» در نمایشگاه شرکت کرده بود) به قدری در مزرعه مورد احترام بود که همه حاضر بودند برای شنیدن حرفهایش، ساعتی از خواب شبستان را بزنند.

میجر بر جایگاه بلند سکومانندی در ته طوله بزرگ، زیر فانوسی که از تیر آویزان بود، روی بستری از کاه جاخوش کرده بود. دوازده سالی از عمرش می‌گذشت و این اواخر هم خیلی تنمند شده بود ولی هنوز هم خوک باهیبتی بود و با وجود اینکه دندانهاش را نکشیده بودند، ظاهر حکیمانه و خیرخواهانه‌ای داشت. دیری نپایید که سر و کله حیوانات دیگر هم پیدا شد و هر کدام برای خود جایی دست و پا کردند. اول از همه بلوبل و جسی و پنیچرسگه آمدند و بعد ماده خوکها، که هنوز نرسیده روی کاه‌های جلو سکولم دادند. مرغها روی لبه پنجره نشستند و کبوتران بالزنان روی تیرهای سقف جاگرفتند. گاوها و

→ «نایب قهرمان» ترجمه کرده بودیم. معادل «سفیدیال» Middle White مدييون دقت عالمانه دکتر کامران احتشام است. باری علاوه بر نژاد، به لحاظ تمثیلی دال بر طبقه متوسط هم هست. طبق گفته یکی از منتقدان، میجر چه بسا مظہر مارکس یا لینین بوده باشد اما به یقین فرانمودی است از روشنفکر طبقه متوسط اروپای غربی. پیداست که دلالت معنایی دوم به هیچ وجه در ترجمه منتقل نمی‌شود.